



## شعوبیه

پیدایش و اهمیت آن  
در سده‌های نخستین اسلامی

زهره خسروی



سرشناسه  
عنوان و نام پدیدآور  
مشخصات نشر  
مشخصات ظاهری  
فروست  
شابک  
وضعیت فهرست نویسی  
موضوع  
موضوع  
موضوع  
موضوع  
رده بندی کنگره  
رده بندی دیویی  
شماره کتابشناسی ملی

خسروی، زهره، ۱۳۵۳.  
شعوبیه: پیدایش و اهمیت آن در سده های نخستین اسلامی / تألیف دکتر زهره خسروی.  
تهران: انتشارات دکتر محمود افشار، ۱۴۰۰.  
۳۸۷ ص.  
مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی؛ ۲۹۸. گنجینه اسناد و تاریخ ایران: ۸۸.  
۹۷۸-۶۲۲-۷۷۰۶-۲۱-۵  
فیبا  
شعوبیه  
Shu'ubiyah  
اسلام -- ایران -- تاریخ  
Islam -- Iran -- History  
DSR۵۵۲  
۹۵۵/۰۴۲۲  
۸۴۸۳۲۱۳

شعوبیه  
پیدایش و اهمیت آن  
در سده‌های نخستین اسلامی

تألیف

دکتر زهره خسروی





مجموعه انتشارات  
ادبی و تاریخی  
موقوفات دکتر محمود افشار

[۸۸]

گنجینه اسناد و تاریخ ایران

۱۳۸۳



هیئت گزینش کتاب و جایزه

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - دکتر زاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق  
دکتر حسن انوری - دکتر فتح الله مجتبابی - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات  
دکتر محمد افشین وفايي (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار - دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی



**شعوبیه**  
پیدایش و اهمیت آن  
در سده‌های نخستین اسلامی

**تألیف** دکتر زهره خسروی  
**گرافیسیت، طراح و مجری جلد** کاوه حسن بیگلر  
**صفحه‌آرا** نرگس عباسپور  
**ویرایش** دفتر نشر بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار  
**لیتوگرافی** صدف  
**چاپ متن** آزاده  
**صحافی** حقیقت  
**تیراژ** ۲۲۰۰ نسخه  
**چاپ اول** ۱۴۰۰

**ناشر** انتشارات دکتر محمود افشار

خیابان ولی عصر، بالاتراز پارک وی، خیابان عارف‌نسب، کوی دبیر سیاقی (لادن)، شماره ۴  
تلفن: ۲۲۷۱۷۱۱۴ دورنما؛ ۲۲۷۱۷۱۱۵

**با همکاری انتشارات سخن**

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸

تلفن: ۵-۶۶۹۵۳۸۰۴ دورنما؛ ۵-۶۶۴۰۵۰۶۲

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۵-۶۶۹۵۳۸۰۴



## شورای تولیت

### متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)  
وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی) - رئیس دانشگاه تهران (با معاونان اول هریک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ و قننامه)

### متولیان منصوص و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) - دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی (جانشین: دکتر محمد اسلامی - دبیر)  
سید محمود دعایی (نایب رئیس شورا) - دکتر احمد میر (بازرس) - ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

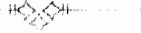
### هیئت مدیره (منتخب شورای تولیت)

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس هیئت مدیره) - دکتر محمد اسلامی (نایب رئیس هیئت مدیره)  
دکتر محمد افشین وفايي (مدیر عامل) - محمدرضا رضایزدی (خزانه دار)

### درگذشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار  
ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منصب واقف، از ۱۳۶۳-۱۳۸۹) - مهر بانو دکتر افشار - مهندس نادر افشار  
بهرز افشار یزدی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیئت مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳) - دکتر جواد شیخ الاسلامی - اللهیار صالح  
دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی - دکتر علی محمد میر - دکتر محمد علی هدایتی





## یادداشت واقف

### اول

طبق ماده ۲۳ وقفنامه اول مورخ یازدهم دی ماه ۱۳۳۷ ه. ش. درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و احتمالاً دادن جوایز به نویسندگان به شرح دستور این وقفنامه گردد.

### دوم

هدف اساسی این بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ وقفنامه تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می باشد. بنابر این کتبی که با بودجه این موقوفات منتشر می شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

### سوم

طبق ماده ۲۶ مقداری از کتب و رسالات چاپ شده با بودجه این موقوفات باید به طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قرائتخانه های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

### چهارم

چون نظر بازرگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تا حدی تحمل زبان هم جایز است طبق ماده ۲۷ وقفنامه هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده تا بیست و پنج قیمت گذاری شود... این افزایش ۲۵ درصد به واسطه حداقل حق الزحمه فروشنندگان و هزینه ای است که برای پست و غیره تحمیل می شود. از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیر ملی که ابداً جنبه تجارتي ندارد با ما یاری و تشریک مساعی بنمایند.

## پنجم

بر اساس موافقت نامه دوم (مورخ ۱۳۵۲/۴/۱۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمتهای مهمی از رقبات، مانند جایگاه سازمان لغت نامه دهخدا و محل مؤسسه باستان شناسی به طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق ماده دوم برای اجرای مفاد وقفنامه که از جمله عبارت از دادن جوایز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

## ششم

چون طبق ماده ۳ موافقت نامه نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیته انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی اداره امور جوایز و نشر کتاب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولیت است و از طرف واقف نیز به عضویت کمیته نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

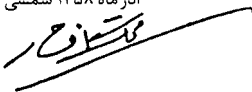
## هفتم

چون نگارنده این سطور به واسطه کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها پردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی وی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می توانند به او مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک و زبان رسمی و ملی همه ایرانیان است می باشد.

## هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هر یک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاریزدی  
آذر ماه ۱۳۵۸ شمسی



## تکمله سوم

کتبی که با بودجه این موقوفات طبع و توزیع می‌شود باید کاملاً منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد. اگر همه تألیفات و مجموعه‌هایی که به قلم واقف منتشر شده و یا می‌شود صددرصد این مطابقت را ندارد به سبب این است که واقف قصد چاپ آنها را با مال خود داشت، ولی زمانی که دارایی خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود را هم که دارای همین جنبه‌هاست به عهده بنیاد واگذار کرد.

اما این مجوز آن نیست که تألیفات دیگر را هم از هر نوع که باشد و برسد چاپ نماید. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان با بودجه آن چاپ خواهد شد که هدف غایی واقف را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی ایران است در بر داشته، کتبی که بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی و حکایت از رواج زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان دری و دیگر چیزهای تفرقه‌آمیز و روش‌ها و سیاست‌های فتنه‌انگیز داشته باشد نباید با بودجه این موقوفات طبع و توزیع شود.

نکته دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و فرهنگ‌نامه فارسی که دایره مانند یعنی انسیکلوپدی باشد و تاریخ کامل ایران که اوراق زیاد و هزینه بیشتر دارد، درآمد ماهیانه بنیاد کفاف خرج آنها را ندهد می‌توان با اندوخته بانکی این موقوفات چاپ نمود، به شرط آن‌که اجازه واقف در زمان حیات و موافقت شورای تولیت بعد از ممات یا هرکس و دستگاهی که قانوناً قائم مقام آنهاست باشد.

در تکمله دوم یادداشت واقف، منتشره در جلد سوم افغان‌نامه نگاشتم که کتب و رسالاتی که با بودجه این موقوفات چاپ می‌شود باید منزله باشد از تحریکات سیاسی، مخصوصاً آلوده نباشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافه پژوهش تاریخی و ادبی ایران‌شناسی... و در پایان آن تکمله افزودم بیم داشتم که مبادا چنین رسالاتی سال‌ها بعد از ما نخواست و ندانسته، به وسیله این بنیاد چاپ شود. پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود... عمده مخاطب این یادآوری‌ها بنیاد موقوفات خود ماست نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هر یک روش خاص خود را دارد و ما دخالتی در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسنده این سطور متولی هستم و فرزند دانشمند من، ایرج افشار که به رموز نویسندگی کاملاً آگاه می‌باشد سرپرست انتشارات این بنیاد است، موجبی برای نگرانی نخواهد بود و بعد از ما هم امید است که این روش ادامه یابد. ان شاء الله

## تکمله و تبصره

یادداشت واقف چند روز پیش از درگذشت (۲۸ آذر ۱۳۶۲) برای اطلاع نویسندگان. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سرمایه و درآمد این بنیاد چاپ و توزیع می‌شود باید منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد و مروج زبان دری در قلمرو این زبان و تحکیم وحدت ملی و تمامیت کشور ایران باشد و بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی ندهد، و حمایت و ترویج از لهجه‌های محلی و زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان فارسی دری نکند. خلاصه آنکه این کتاب‌ها و رسالات باید منزّه باشد از روش‌های تفرقه‌آمیز و سیاست‌های فتنه‌انگیز، چه به‌طور مرموز و چه علنی مخصوصاً نباید آلوده باشد به اغراض سیاسی خارجی در لفاظیه پژوهش تاریخی، نژادی یا ادبی و فرهنگی و ایران‌شناسی.

کتب تاریخی و ادبی عالمانه خارجی که از عربی و ترکی و فرنگی و روسی به فارسی ترجمه می‌شود اگر دارای هر دو جنبه از سود و زیان باشد باید قسمت سودمند آنها ترجمه شود. قسمت زیان بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابله عالمانه با آن باشد نه جاهلانه، زیرا گفته منطقی ممکن است مؤثر باشد، نه شانناژ و هوچی‌گری. این بنیاد در انتشارات خود باید در هر حال از دروغ و ناسزا پرهیز کند. به گفته نظامی گنجوی:

چون‌توان راستی را درج کردن دروغی را نباید خرج کردن

برای چاپ و انتشار کتب و رسالات نه تنها هزینه و حق‌الزحمه نمی‌خواهیم، بلکه به سبب اهمیت فوق‌العاده سودمند بودن کتاب، جایزه نیز می‌پردازیم. این بنیاد در چاپ و انتشار کتاب‌های خود به‌طور مسلم ضرر مادی دارد، زیرا کمتر از ارزش تمام شدن از کاغذ و چاپ و غیره از راه فروش درآمد دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معامله مرحوم ملانصرالدین باشد که تخم مرغ می‌خرد دانه‌ای دو شاهی، می‌پخت و رنگ می‌کرد و می‌فروخت یک شاهی! عقیده ما بر این است که اگر در این سود، ضرر مادی و مالی می‌کنیم سود معنوی که منظور ماست می‌بریم، و آن اینکه عقیده خود را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران است رواج می‌دهیم. این زبان را به حساب مصارف وقف در راه ایده‌آل و هدف ملی خود محسوب می‌داریم.

برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به تکمله منتشرشده در ابتدای کتاب‌های این بنیاد که اضافات و تفاوت‌هایی با هم دارد توجه فرمایید.



تقدیم به استاد گرامی ام

**جناب آقای دکتر جلال خالقی مطلق**

که در تمام سال‌های تحصیلم پشتیبان بزرگ من بودند.





## فهرست

|    |   |
|----|---|
| ۲۱ | سرسخن.....                                  |
| ۲۵ | مقدمه.....                                  |
| ۲۸ | پرسش‌ها.....                                |
| ۲۸ | پژوهش‌های معاصر.....                        |
| ۳۰ | دسته‌بندی ادبیات.....                       |
| ۳۰ | آثار نمایندگان شعوبیه.....                  |
| ۳۱ | آثار مخالفان شعوبی.....                     |
| ۳۱ | کتاب تراجم و معضلات آن.....                 |
| ۳۴ | کتاب تاریخی.....                            |
| ۳۴ | نکاتی درباره روش کار.....                   |
| ۳۶ | محتوا.....                                  |
| ۳۹ | بخش نخستین: زمینه تاریخی پیدایش شعوبیه..... |
| ۳۹ | عصیت و آغاز اسلام.....                      |
| ۴۴ | امویان و برتری عرب.....                     |
| ۴۶ | نظام ولاء.....                              |
| ۴۷ | موقعیت اجتماعی موالی.....                   |
| ۴۸ | حرفه‌های مدنی موالی.....                    |
| ۵۰ | مقام موالی در سپاه.....                     |
| ۵۲ | انساب.....                                  |



- ارث و دیه..... ۵۷
- فرمانروایی عباسیان و افزایش عناصر غیر عرب..... ۵۸
- تأثیر عناصر غیر عرب..... ۵۹
- وزارت و نفوذ وزرای ایرانی تبار..... ۶۲
- خاندان برمکیان..... ۶۳
- عملکرد سیاسی برمکیان..... ۶۵
- خدمات فرهنگی برمکیان..... ۷۲
- خاندان سهل بن هارون..... ۷۵
- دیوان‌های عباسی و دبیران ایرانی..... ۷۸
- تأثیر فرهنگی ساسانیان بر عباسیان..... ۸۲
- جنبش ترجمه..... ۸۳
- جریان ترجمه در عصر امویان..... ۸۴
- جنبش ترجمه در عصر عباسیان..... ۸۵
- جنبش ترجمه و شعوبیه..... ۹۱
- بخش دوم: شعوبیه در ایران..... ۹۵**
- سلسله‌های ایرانی و مسئله استقلال..... ۹۵
- شعوبیه در زمینه زبان..... ۱۰۰
- اعتلاء زبان فارسی دری..... ۱۰۶
- توده مردم..... ۱۰۶
- نقش حاکمان..... ۱۱۴
- مقاومت شدید در برابر زبان فارسی دری..... ۱۲۵
- ابوحاتم رازی..... ۱۲۶
- ابوالحسن عامری..... ۱۲۷
- بیرونی..... ۱۲۸
- ابومنصور ثعالبی..... ۱۳۰
- زَمَخْشَری..... ۱۳۱
- بخش سوم: معضل مفهوم «شعوبیه»..... ۱۳۵**
- آیا أهل التَّسْوِیَةِ پیشروان شعوبیه بودند؟..... ۱۳۹
- نام‌های مختلف شعوبیه..... ۱۴۳

- بخش چهارم: تحلیل و ارزیابی منابع تراجم ..... ۱۴۷
- شخصیت‌های شعوبی ..... ۱۴۷
- اسماعیل بن یسار نِسائی ..... ۱۴۹
- سَهْل بن هارون دَسْتَمِیسانی ..... ۱۵۴
- عَلان وَزاق شُعوبی ..... ۱۵۸
- مَعمر بن مُثنی تَمیمی بَصری، مشهور به ابوَعُبَیْدَه ..... ۱۶۳
- ابراهیم بن اسماعیل بن داود کاتب عَبْرَتانی ..... ۱۷۲
- احمد (محمد) بن حسین، مشهور به دِندان ..... ۱۷۵
- حمزه بن حسن اصفهانی ..... ۱۷۷
- هشت شاخص چهره شعوبی: کوشش برای رسیدن به مفهوم «شعوبی» ..... ۱۸۳
- اصل غیر عربی ..... ۱۸۳
- روشنفکری و احراز مناصب عالی ..... ۱۸۵
- الزام به مسلمان بودن؟ گرایش به تشیع ..... ۱۸۶
- ولاء ..... ۱۸۷
- تعلق به دین زرتشتی در گذشته ..... ۱۸۸
- اتهام به زندقه ..... ۱۸۸
- ارتباط نزدیک با خاندان برمکی و سَهْل ..... ۱۹۰
- تعصب به عجم و ضدیت با عرب ..... ۱۹۱
- نبوت ..... ۱۹۵
- پادشاهی و فرمانروایی ..... ۱۹۷
- فرهنگ و علوم ..... ۲۰۰
- شعر و سخنوری ..... ۲۰۳
- جنگاوری و شجاعت ..... ۲۰۹
- بخشنده‌گی، مهمان‌نوازی و آداب سفره ..... ۲۱۴
- سنت‌های پیش از اسلام و علم انساب ..... ۲۲۲
- زبان ..... ۲۲۵
- بخش پنجم: نمایندگان دیگر شعوبی ..... ۲۳۱
- شاعران ..... ۲۳۱
- بَشَّار بن بُرد عَقِیلی بَصری ..... ۲۳۱
- حسن بن هانی حَکَمی، معروف به ابونواس ..... ۲۴۰
- اسماعیل بن قاسم عَنزری کوفی، معروف به ابوالعَطاءیه ..... ۲۴۵

- ۲۵۰..... علی بن خلیل شیبانی کوفی.....
- ۲۵۳..... اسحاق بن حَسَّان مُرّی، معروف به خَریمی.....
- ۲۵۶..... عبدالسّلام بن رَغَبان، معروف به دیک چن کَلبی حِمصی.....
- ۲۶۰..... یحیی بن علی، معروف به ابن مُنَجَّم ندیم.....
- ۲۶۳..... محمد بن محمد بن حسن، معروف به ابوسعید رُسَمی.....
- ۲۶۵..... مترجمان.....
- ۲۶۵..... عبدالله بن مُقَفَّع، معروف به ابن مُقَفَّع.....
- ۲۷۵..... اَبان بن عبدالحمید لاجقی رَقاشی.....
- ۲۷۷..... خاندان نُوبختی.....
- ۲۸۱..... خاندان بُختیشوع.....
- ۲۸۷..... سَلَم، مدیر بیت‌الحکمه.....
- ۲۸۸..... احمد بن علی، معروف به ابن وَحِشِیَه.....
- ۲۹۲..... کاتبان.....
- ۲۹۲..... یونس بن محمد، معروف به ابن اَبی فَرَوَه.....
- ۲۹۳..... محمد بن لَیث خَطیب کاتب، معروف به فقیه.....
- ۲۹۴..... سعید بن حُمَید بُختکان کاتب.....
- ۲۹۷..... ابراهیم بن مَمشاذ، معروف به اصفهانی مُتَوَكَلّی.....
- ۲۹۹..... اسحاق بن سَلَمَه.....
- ۲۹۹..... محمد بن عبدالله اصفهانی کاتب، معروف به باح.....
- ۳۰۰..... مَهبیار بن مَرزَوَیَه دِیلمی کاتب.....
- ۳۰۴..... ادیبان.....
- ۳۰۴..... محمد بن علی اصفهانی دِیمرتی.....
- ۳۰۴..... علی بن حمزه اصفهانی.....
- ۳۰۵..... نحویان (دانشمندان دستور زبان).....
- ۳۰۵..... یُونس بن حَبیب نَحوی بَصری.....
- ۳۰۶..... دانشمندان انساب.....
- ۳۰۶..... هَیثم بن عَدی طانی کوفی.....
- ۳۰۹..... فلاسفه.....
- ۳۰۹..... محمد بن زکریا رازی.....
- ۳۱۳..... بخش ششم: تعریف جامع مفهوم «شعوبی».....
- ۳۱۳..... اصل غیر عربی.....

|     |  |
|-----|--|
| ۳۱۵ | ..... روشنفکری و احراز مناصب عالی          |
| ۳۱۷ | ..... الزام به مسلمان بودن؟ گرایش به تشیع  |
| ۳۱۹ | ..... ولاء                                 |
| ۳۲۰ | ..... تعلق به دین زرتشتی در گذشته          |
| ۳۲۱ | ..... اتهام به زندقه                       |
| ۳۲۲ | ..... ارتباط نزدیک با خاندان برمکیان و سهل |
| ۳۲۲ | ..... تعصب به عجم و ضدیت با عرب            |
| ۳۲۴ | ..... آیا شعوبه یک جنبش اجتماعی بود؟       |
| ۳۳۷ | ..... نتیجه‌گیری                           |
| ۳۴۱ | ..... پی‌نوشت                              |
| ۳۶۷ | ..... فهرست اعلام                          |
| ۳۶۷ | ..... اشخاص                                |
| ۳۸۳ | ..... اماکن                                |
| ۳۸۹ | ..... کتاب‌ها                              |
| ۳۹۵ | ..... کتابنامه                             |



### سرسخن

جنبش شعوبیه که در سده‌های دوم تا چهارم هجری به وجود آمد و با نهضت ترجمه به عربی توأم بود، یکی از شگفت‌ترین پدیده‌های تاریخ و فرهنگ اسلامی است. درباره این جنبش، چنانکه در مقدمه همین کتاب آمده است، تا کنون چند کتاب، رساله و مقاله تألیف شده و نظریاتی گاه موافق یکدیگر و گاه متضاد هم ابراز شده است. نظری که به گمان نگارنده این سطور نباید درباره آن اختلافی باشد و در عین حال کمتر بر آن تأکید شده است، تأثیر بزرگی است که این جنبش، از یک سو بر فرهنگ اسلامی کلاً و اعتلای زبان عربی، و از سوی دیگر (در سده‌های سوم تا ششم هجری) بر فرهنگ اسلامی ایران و اعتلای زبان فارسی داشته است.

فرهنگ عرب در پیش از اسلام، صرف‌نظر از فرهنگ کشور حیره که با فرهنگ‌های ساسانی و بیزانس در تماس بود، یک فرهنگ قبیله‌ای بود و اطلاق اصطلاح «جاهلی» به آن اگر بیشتر به سبب «نااسلامی» بودن آن است، ولی در حقیقت معرّف کلّ فرهنگ پیش از اسلام عرب است. با جنبش شعوبیه و نهضت ترجمه راه نفوذ فرهنگ‌های ساسانی و بیزانس و سُرّیانی و سپس از راه آن‌ها نفوذ فرهنگ‌های هندی و یونانی و نیز نفوذ فرهنگ‌های مصری و نبطی گشوده شد. آنچه ما امروزه «فرهنگ اسلامی» می‌نامیم، در آغاز آمیخته‌ای بود از فرهنگ‌های نامبرده با آموزه‌های کلام اللّه و احادیث و الهیات و کلام که سپس به تحوّل مستقل خود رسید که در آن کلام اللّه در مرکز قرار گرفت و عناصر دیگر این فرهنگ، از برخی موارد استثنائی که درگذریم (همچون صورنگری و تندیس‌سازی و موسیقی و نرد) کمابیش با آن در ارتباط‌اند و از این رو اطلاق صفت «اسلامی» به این فرهنگ، تنها یک ارتباط زمانی تاریخی نیست، بلکه ارتباطی ماهوی معنوی است.

فرهنگِ قبیله‌ای عرب محدود به زندگی سادهٔ قبیله در زیر آسمانِ کبود بود و در مرکز آن چادر و شتر و ستارگانِ آسمان و شن‌های جن‌زای بیابان و کشمکش‌های میان‌قبیله‌ای قرار داشت و همین‌ها نیز موضوع شعر آن بود. چنین زندگانی طبعاً از تشکیلات اداری و سپاهی و اجتماعی یک «دولت» و ادبیات ادبی و علمی آن برخوردار نبود، سهل است، زندگی بیابان‌نشینِ عرب حتی از اصطلاحات کشاورزی و واژگان یک طبیعت سازگار، همچون نام گل‌ها و درختان و پرندگان و دیگر ویژگی‌های چنین طبیعتی عاری بود، ولی در مقابل ده‌ها نام برای شتر داشت.

با نهضت ترجمه انبوهی از واژه‌ها و اصطلاحات زندگی مادی و معنوی کشورهای نام‌برده از راه زبان‌های ایرانی میانه و سنسکریت و یونانی و لاتینی و سُریانی به عربی راه یافت که نخست به گونهٔ معرّب و سپس بسیاری از آن‌ها با قابلیتِ شگفتِ زبانِ عربی بدین زبان برگردانده شدند و زبان عربی را بزودی به پایهٔ مهم‌ترین زبانِ علمیِ فرهنگِ اسلامی ارتقاء دادند تا آنجا که برخی از نمایندگان آن فرهنگ‌های دیگر، تألیف به زبانِ عربی را بر زبانِ مادری خود ترجیح دادند.

نهضتِ ترجمه به فرهنگِ ایران نیز خدمت بزرگی کرد. چون بدون ترجمهٔ آثارِ ایرانی میانه به عربی و سپس به فارسی، ما امروز از آن تألیفات حتی نامی هم نمی‌شناختیم و در نتیجه این نظر برخی ایران‌شناسان که فرهنگ ساسانی را یک فرهنگ شفاهی معرفی می‌کند، به ناروا پذیرش عام می‌یافت. نگاهی به آثاری که در سده‌های چهارم تا ششم هجری به فارسی تألیف شده‌اند نشان می‌دهد که بسیاری از آن‌ها به یک متنِ ایرانی میانه برمی‌گردند. با ترجمه و تألیف این آثار طبعاً بسیاری از اصطلاحات علمی که در زبان گفتار زمان ساسانیان، یعنی دریگ، جایی نداشت، از راه ترجمه از پارسیگ و پهلویگ (به ترتیب زبان نوشتاری ساسانی و اشکانی) به پارسی دری (یعنی زبان گفتار که در ایران اسلامی زبان رسمی نوشتاری شد) راه یافتند. از این جمله‌اند اصطلاحاتی در زمینهٔ نجوم، فلسفه، ریاضیات، خراج، پزشکی، داروشناسی، دامپزشکی، بازرگاری و اصطلاحات درباری و سپاهی و اداری و دیگر تشکیلات اجتماعی. مثلاً اشاره کنم که بسیاری از اصطلاحات علمیِ فارسی که در آثاری چون شاهنامهٔ فردوسی، التفهیم لاوائل صناعة التنجیم ابوریحان بیرونی، دانشنامهٔ علانی ابوعلی سینا و آثار دیگر در آن عصر آمده است، به هیچ روی یکسره ساخته و پرداختهٔ مؤلفان آن‌ها نیست، بلکه برگرفته از گنجینهٔ واژگان پهلویگ و پارسیگ‌اند و البته مؤلفان آن آثار نیز به نوبهٔ خود بر آن افزوده‌اند. حتی وجود برخی ترجمه‌ها و

تفسیرهای کلام الله مجید از سده‌های چهارم و پنجم هجری که زبان آن‌ها به فارسی سره نزدیک است، گواهی بر پیشینه توانمند زبان فارسی در علوم دینی است. در زمینه ادبیات و تاریخ‌نویسی نیز جز این نبود.

فرهنگ اسلامی در آغاز شکل‌گیری خود، بدون بهره‌وری و مایه‌گیری از فرهنگ‌های باستانی پیش از خود، به همان‌گونه نامتصور است که فرهنگ‌های رُم و بیزانس و اروپای پس از رنسانس بدون تأثیر فرهنگ یونانی. از سوی دیگر، در میان آن فرهنگ‌های باستانی، فرهنگ ساسانی و وجود ایرانیان در دستگاه خلافت عباسی دارای نقشی محوری است. در واقع حتی آثار مخالفان این نهضت همچون ابن قتیبه و جاحظ و بیرونی و خوارزمی و مانند آنان، بدون نهضت شعوبیه تصورپذیر نیست؛ زیرا این نهضت در اعتلای فرهنگ اسلامی و زبان عربی به منزله تأسیس دبستان علم و ادب و فرهنگ بود. این نظر درباره فرهنگ ایران اسلامی و زبان فارسی نیز درست است.

فضل تقدّم در پژوهش جنبش شعوبیه با شرق‌شناس مجار، ایگناس گلدزیهر است که کار او نه تنها فتح الباب این زمینه بود، بلکه به نظر نگارنده هنوز پس از صد و اندی سال چیزی از اعتبار نظریات او کاسته نشده است. اکنون بانو دکتر زهره خسروی پس از سال‌ها کوشش نستوه که نگارنده از نزدیک شاهد آن بود، این توفیق را یافته‌اند که با کتاب حاضر به پژوهش درباره شعوبیه پایه و مایه برتری بخشند. از شاخصه‌های این پژوهش که بر اساس منابع دست اول پدید آمده است، یکی جامع بودن آن و دیگر دید انتقادی و بی‌طرفی علمی مؤلف است، صفاتی که در مجموع به این کتاب در میان پژوهش‌های مشابه جای ویژه‌ای داده است. از این‌رو ترجمه این رساله از آلمانی به فارسی به‌منظور بهره‌مندی فارسی‌زبانان، اقدامی شایسته است، به‌ویژه اینکه مؤلف با افزودن پیوستی بر اعتبار آن افزوده است.

در پایان از سوی خود و بانو دکتر زهره خسروی از دوست دانشمند، آقای دکتر محمد افشین‌وفایی، مدیرعامل و مسئول انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، برای انتشار این کتاب صمیمانه سپاسگزارم.

جلال خالقی مطلق





## مقدمه

با فتوحات اسلامی، جامعه نوپای اسلامی که ناحیه تحت نفوذ آن نخست به شبه جزیره عرب محدود می‌شد، با اقوام دیگری مرتبط گردید که دارای پیشینه فرهنگی و دینی کاملاً متفاوتی بودند. نظام سیاسی و اجتماعی اعراب در عصر جاهلی بر پایه ساختارهای قبیله‌ای بنا شده بود. عرب جاهلی با قبیله خود احساس همبستگی می‌نمود (عصبیت)، اما به نهاد بالاتر دولتی پای‌بند نبود. بدین‌گونه تاریخ جاهلیت از درگیری و نزاع مستمر میان قبایل عرب متأثر بود. پیامبر اسلام (ص) موفق شد با رسالت خود (دین توحیدی و مساوات میان مؤمنان به دور از علایق قبیله‌ای و نژادی) قبایل عرب را متحد نموده و از آنان یک جامعه دینی (امت) بنیان نهد. پیامبر اسلام (ص) در طول رسالت بیست و سه ساله خود، دشمنی و عدم اعتماد میان قبایل عرب را موقتاً به‌شکل راکد درآورد و وابستگی دینی (اسلام) را بالاتر از عصبیت قرار داد.

گسترش جغرافیایی اسلام در زمان زندگی پیامبر (ص) شروع شده بود، اما در حقیقت عملیات نظامی در دوران حکومت نخستین خلیفه راشد، ابوبکر (ح- ۱۱-۱۳ق) انجام گرفت. بدین‌گونه اعراب با بینش توحیدی و آموزه مساوات همه مؤمنان، شروع به فتح مناطق همسایه نمودند. امپراطوری‌های بزرگ ایران و روم شرقی بر اثر درگیری‌های مداوم در گذشته، تضعیف شده بودند و این یک عامل مهم در موفقیت فتوحات اعراب بود. همچنین نباید این امر را دست‌کم گرفت که اعتقاد به برابری همه انسان‌ها، دین جدید را جذاب می‌ساخت.

زمانی کوتاه پس از مرگ پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup>، در دوران حکومت دومین خلیفه راشد، عمر بن خطاب (ح ۱۳-۲۳ق) نشانه‌هایی از ساختارهای جاهلی بازگشتند: فاتحان عرب به زبردستان و اقوام مناطق فتح‌شده به زبردستان تغییر یافتند. اسرای جنگی که به شبه جزیره عرب آورده شده و به اسلام گرویده بودند، باید در جامعه عربی ادغام می‌گردیدند. این امر از طریق ولاء یعنی پیوستگی با قبایل عرب یا فرد عرب انجام پذیرفت و این نومسلمانان به موالی مشهور شدند.

اما ولاء نه تنها در عمل نتوانست آموزه قرآنی مساوات و برابری را اجرا کند، بلکه نومسلمانان با بسیاری از تبعیضات اجتماعی روبه‌رو شدند. این رابطه نابرابر، به‌ویژه در دوران خلافت امویان (ح ۴۱-۱۳۲ق) چشمگیر است. امویان که در زمان حکمرانی آنان، جامعه اسلامی از خلافت انتخابی روی‌گردان شد و به سلطنت موروثی روی آورد، از قوانین اشرافیت عربی پیش از اسلام و تفکر «خون نالوده عرب» تبعیت می‌کردند. این امر از یک‌سو منجر به از سرگیری درگیری میان قبایل عرب و از سوی دیگر به تبعیضات برای نومسلمانان شد. در دوران خلافت امویان چندین قیام اجتماعی و دینی به‌وجود آمد که نومسلمانان نیز در آن شرکت داشتند. سرانجام عباسیان (ح ۱۳۲-۶۵۶ق)، از نوادگان عموی پیامبر<sup>(ص)</sup>، عباس، موفق شدند با یاری ایرانیان در خراسان و به رهبری ابومسلم خراسانی در سال ۱۳۲ق قدرت را به دست آورند.

انقلاب عباسیان تنها یک تغییر ساده از یک سلسله به سلسله دیگر نبود، بلکه به معنای تغییری عمیق در همه حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و سُنن جامعه اسلامی بود. در دوران حکومت عباسیان، عناصر غیر عرب بر صحنه سیاسی تسلط یافتند، نخست ایرانیان و سپس از زمان حکمرانی مُعتصِم (ح ۲۱۸-۲۲۷ق) ترکان. از این‌رو اسلام، تازه در دوران حکومت عباسیان بود که به یک دین جهانی تبدیل گردید. در دوره اول زمامداری عباسیان، ایرانیان در رأس نظام اداری عباسیان قرار داشتند که بر اساس الگوی ساسانی بنا شده بود و مشهورترین آنان اعضای خاندان ایرانی برمکیان و سهل بودند. آن‌ها در زمان حکمرانی خلفای عباسی، رشید (ح ۱۷۰-۱۹۳ق) و مأمون (ح ۱۹۸-۲۱۸ق) مقام وزارت را به عهده داشتند و به شدت بر حوزه‌های سیاست و فرهنگ تأثیر گذاشتند. این امر در مورد کارگزاران دیوان‌ها نیز صادق بود. بدین‌گونه دبیران (کُتاب) از میان ایرانیان استخدام می‌شدند که در هر دو فرهنگ عربی و ایرانی دارای تحصیلات عالی در حوزه‌های زبان، فرهنگ و ادبیات بودند. به این عامل می‌توان توجه و

علاقه خلفای نخستین عباسی را به سنت‌های ساسانیان و روش حکومت‌داری آنان نیز افزود. جنبش ترجمه که در دوره اول عباسی آغاز گردید و بیش از دو سده به درازا کشید، جامعه اسلامی را به روی تأثیرات فرهنگ‌های دیگری مانند ایرانی، یونانی، هندی و نبطی گشود.

در چنین شرایط سیاسی و فرهنگی، شعوبه که شامل نخبگان غیر عرب به‌ویژه ایرانیان می‌شد، ظهور نمود. شعوبه از یک‌سو به آموزه قرآنی مساوات و برابری و از سوی دیگر به «گذشته باشکوه» غیر عربی، بخصوص ساسانیان استناد می‌نمود. جنبش شعوبه از این نیاز و ضرورت به‌وجود آمد تا برای خود هویتی ویژه در جامعه اسلامی و متمایز از اعراب بسازد که نه تنها بر مناطق ارضی، بلکه بر نظام ارزش‌های موجود مسلط شده بودند. بدین‌گونه میان غیر اعراب، به‌ویژه ایرانیان، از یک‌سو و اعراب و عرب‌دوستان از سوی دیگر، یک مباحثه فرهنگی و تا حدودی جدلی به‌وجود آمد. شعوبه در عراق ظهور نمود و بیشتر در مرکز عباسی، بغداد گسترش داشت. شعوبه نخست به عنوان یک جنبش برابرخواهانه و ضد عربی در چهارچوب ادبیات ظاهر گشت که اوج شکوفایی آن در سده‌های دوم و سوم هجری اتفاق افتاد. این جنبش بعدها در زمینه زبان در درون ایران ظهور کرد که آخرین نشانه‌های آن در سده ششم هجری یافت می‌گردد.

پژوهشی عمیق درباره شعوبه به این دلیل قابل اهمیت است که شعوبه به عنوان یک جنبش برابرخواهانه و ضد عربی در چهارچوب ادبیات که متشکل از غیر اعراب در زمان خلافت عباسیان بود، از سوی متخصصان اسلام‌شناس به عنوان یک پدیده مهم در توسعه و تحول جامعه صدر اسلام ارزیابی می‌گردد. از سوی دیگر هنوز کتابی به یک زبان اروپایی منتشر نگردیده که این موضوع پیچیده و گسترده را مورد یک بررسی همه‌جانبه قرار داده باشد، بلکه پژوهش‌های معاصر به زبان اروپایی در این‌باره تنها محدود به چند مقاله پراکنده است. علاوه بر این، لازم به ذکر است که مطالعات درباره شعوبه به زبان‌های فارسی و عربی، اغلب با نوعی جبهه‌گیری همراه بوده و بی‌طرفانه نیست.

در اسلام‌شناسی کلاسیک مفهوم «شعوبه» در دو دوره ظاهر می‌گردد: نخست در دوره اول عباسی به عنوان جنبش ادبی برابرخواهانه ضد عربی در شرق امپراطوری اسلامی، در عراق و ایران که از سده دوم تا ششم هجری به درازا کشید. در سده پنجم هجری این مفهوم برای نزاعی مشابه در اندلس به کار برده شد که عمدتاً از شخصی به نام ابن گرسیا نشأت می‌گرفت. در

تاریخ معاصر قرن بیستم نیز شعوبیه نو در ایران به وجود آمد. کتاب پیش رو تنها به شعوبیه در دوران اول عباسی، در شرق امپراطوری اسلامی، و توسعه و شکوفایی آن می‌پردازد.

### پرسش‌ها

در کتاب پیش رو پرسش‌های زیر بررسی شده است:

یک: تعریف دقیق مفهوم «شعوبی» بر پایه استعمال آن به عنوان صفت هفت شخصیت معین در کتب تراجم عربی چیست؟ از این پرسش به نوبه خود پرسش‌های زیر نیز پدید می‌آید:

الف) بر اساس شاخصه‌های به دست آمده از تعریف مفهوم «شعوبی»، چه کسان دیگری را می‌توان به عنوان شعوبی شناخت که با چهره (پروفایل) هفت شخصیت بررسی شده مطابقت داشته باشند؟

ب) نقطه آغاز جغرافیایی و زمانی شعوبیه کجا و کی بود؟

دو: اشکال ارتباطات رسمی و غیر رسمی هر یک از نمایندگان شعوبی چگونه بود؟ تا چه حد می‌توان شعوبیه را از نقطه نظر جامعه‌شناسی (تحلیل شبکه‌ای و منابع) به عنوان یک جنبش اجتماعی تعریف کرد؟

### پژوهش‌های معاصر

اولین پژوهشگری که در چهارچوب تحقیقات خود به مسئله تنش میان عرب و عجم و به‌ویژه به شعوبیه توجه نمود، دانشمند مجارستانی، ایگناس گلدزیهر بود. وی هم به پیدایش شعوبیه در شرق امپراطوری اسلامی<sup>۱</sup> و هم به ظهور آن به عنوان جنبشی مشابه در اندلس سده پنجم هجری پرداخت که بیش از هر چیز به شخصیت ابن گرسیا تمرکز دارد.<sup>۲</sup> در میان مقاله‌های پراکنده درباره شعوبیه، مطالعات گلدزیهر با وجود قدمت آن هنوز هم معتبر و نشان‌دهنده آغاز یک بررسی علمی در این حوزه است. به اعتقاد گلدزیهر، شعوبیه حزبی بود که از ملی‌گرایی ایرانی حمایت می‌نمود. این ملی‌گرایی از «گذشته باشکوه ایرانی»، به‌ویژه دوران ساسانیان و «عقب‌ماندگی» اعراب، آشخور داشت.<sup>۳</sup> از دیدگاه این پژوهشگر، شعوبیه در ارتباط با احیای

1. Goldziher, *Muhammedanische Studien*, Bd. I, S. 147 ff.

2. Goldziher, "Die Šu'ūbijja unter den Muhammedanern in Spanien", in: *ZDMG*, Bd. LIII, S. 601-620.

3. Goldziher, *Muhammedanische Studien*, Bd. I, S. 147 ff.

هویت ملی ایرانی قرار داشت که از تأسیس سلسله‌های خودمختار آسیای مرکزی حمایت می‌نمود.<sup>۱</sup> دانشمندان دیگری مانند اشپولر<sup>۲</sup>، مک دونالد<sup>۳</sup>، ممتحن<sup>۴</sup> و صفا<sup>۵</sup> نیز نظری مشابه دارند.

این نگاه اما از سوی پژوهشگران دیگر مردود است: برخلاف گلدزیهر، لارسن معتقد است که شعوبه حزبی با ساختار منسجم و تعریفی روشن نبود که اهداف معینی را دنبال کرده باشد. به نظر او، شعوبه بیشتر مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اعتقادات مختلف و اغلب متناقض با یکدیگر بود.<sup>۶</sup> مُتَّحِدِه<sup>۷</sup> و قَدْوَرَه<sup>۸</sup> نیز نظری مشابه دارند که در درون شعوبه نظرات و فعالیت‌های مختلفی را شناسایی می‌کنند. از دیدگاه گیب، شعوبه یک جنبش جدایی‌طلبانه، آن‌گونه که گلدزیهر مدعی است، نبود که قصد سقوط حکومت عباسیان را در سر می‌پروراند، بلکه هدف شعوبه تغییر و تحول روح و نهادهای سیاسی و اجتماعی فرهنگ اسلامی بر اساس الگوی نهادها و ارزش‌های ساسانی بود.<sup>۹</sup> آگیوس نظرات گیب را دربارهٔ آغاز و تحول شعوبه به عنوان مقاومت ادبی بر پایه اسنادی از منابع دست اول عربی نشان داده و کامل نمود.<sup>۱۰</sup> نوریس بر این اعتقاد است که شعوبه تلاش موفقیت‌آمیز اقوام زیر سلطهٔ عرب بود تا «هویت» خود را حفظ کنند و خود را از اعراب متمایز نمایند.<sup>۱۱</sup> بوون ساونت شعوبه را اختراع مسلمانان محافظه‌کار می‌داند.<sup>۱۲</sup> عرضی در مقالهٔ طولانی خود به گرایش‌های شعوبی شاعر مشهور عصر اول عباسی، ابونواس (۱۹۸-۲۰۰ق) می‌پردازد.<sup>۱۳</sup> بارتولد در مقاله‌اش شعوبهٔ ایرانی و تحقیقات معاصر در این زمینه را بررسی می‌کند. او بیشتر بر موضوع شعوبه در داخل ایران و یادآوری قوم ایرانی از «گذشتهٔ باشکوه» خود تمرکز دارد.<sup>۱۴</sup> کرون در مقالهٔ خود با عنوان “Post-Colonialism in tenth century Islam” به

1. Ebd, Bd. I, S. 155.

2. Spuler, *Iran in frühislamischer Zeit*, S. 64.

3. Mac Donald, “Shu‘ūbiya”, in: *EI*, Bd. IV, S. 425.

۵. صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، ص ۲۳.

۴. ممتحن، نهضت شعوبه، ص ۷.

6. Larsson, “Ignaz Goldziher on the shu‘ūbiyya”, in: *ZDMG*, Bd. CLV, S. 370 f.

7. Mottahedeh, “The Shu‘ūbiyah controversy and the social history of early Islamic Iran”, in: *JMES*, Bd. VII, S. 163.

۸. قَدْوَرَه، الشُّعُوبِيَّة، ص ۹.

9. Gibb, “The social significance of the Shu‘ūbiya”, in: *Studia Orientalia*, S. 108.

10. Agius, “The Shu‘ūbiyya”, in: *IQ*, Bd. XXIV, S. 80 ff.

11. Norris, “Shu‘ūbiyyah in Arabic Literature”, in: *‘Abbāsīd Belles-Lettres*, S. 32.

12. Savant, “Naming Shu‘ūbis”, in: *Essays in Islamic Philology*, S. 166-184.

13. Arazi, “Abū Nuwās fut-il šu‘ūbite?”, in: *Arabica*, Bd. XXVI, S. 1-61.

14. Barthold, “die persische Šu‘ūbiyya”, in: *Zeitschrift für Assyriologie*, Bd. XXVI, S. 249- 266.

شخصیت محمد بن زکریا رازی (ف ۳۱۳ق)، فلسفه او و گرایشش به شعوبیه می‌پردازد.<sup>۱</sup>

### دسته‌بندی ادبیات

در پژوهش‌های انجام‌شده معاصر درباره شعوبیه، از یک‌سو به قطعاتی به‌جای‌مانده از آثار شعوبی که در منابع عربی یافت می‌گردند و از سوی دیگر به آثار مخالفان شعوبیه استناد شده است. علاوه بر این، کتاب‌های تاریخی نیز برای بازسازی توسعه و تحولات شعوبیه مورد استفاده قرار گرفته است. تا به حال هیچ‌کدام از محققان برای روشن‌سازی تحولات و وضعیت اجتماعی شعوبیه هدفمند و سیستماتیک، بُعد بیوگرافی این موضوع را بررسی نکرده‌اند و شرح حال نمایندگان شعوبیه را با یکدیگر مقایسه و ارزیابی ننموده‌اند. هنگامی که گلدزیهر در پایان سده نوزدهم میلادی برای نخستین بار به موضوع شعوبیه توجه نشان داد، از متون این ژانر ادبی هنوز تصحیح قابل توجهی وجود نداشت.

اساس کتاب پیش رو، علاوه بر منابعی که پیش‌تر از سوی محققان بررسی شده‌اند، پیش از هر چیز دیگر کتب تراجم‌اند. این ژانر ادبی اطلاعاتی درباره شرایط زندگی و شبکه ارتباطات نمایندگان شعوبیه به دست می‌دهد. در ادامه به هریک از ژانرهای ادبی بیشتر پرداخته می‌شود:

### آثار نمایندگان شعوبیه

برای فهم دقیق‌تر شعوبیه و تحول آن، پیش از هر چیز بررسی آثار نمایندگان آن قابل اهمیت است. متأسفانه همه آثار شعوبی که می‌توانستند برای بازسازی جزئیات شعوبیه یاری‌رسان باشند، از دست رفته‌اند. با این‌حال قطعاتی از آن‌ها در منابع عربی باقی مانده است که در کتاب پیش رو مورد استفاده قرار گرفته‌اند. یکی از ژانرهای معمول شعوبی که در آن دوره زمانی در اعتراض به اعراب به‌وجود آمد، کتاب‌های مَثالِب بود که در آن قبایل عربی مورد هجو قرار می‌گرفتند و «معایب» آن‌ها برجسته می‌گردید. مهمترین آثار مثالِب که قطعاتی از آن‌ها در منابع عربی باقی مانده است، به شرح زیر است:

- المَثالِب از ابوَعَبَّیدَه مَعْمَر بن مُتَمِّی، مشهور به ابوَعَبَّیدَه (ف ۲۰۷-۲۱۳ق)

- المَثالِب یا المیدان از عَلان شُعوبی (ف سده سوم ق)

- المَثَالِبُ از هَيْثَمُ بنِ عَدَى (ف ۲۰۶-۲۰۹ق)

یکی دیگر از ژانرهای ادبی شعوبی کتب مدح هستند: مَفَاخِرُ، فَضَائِلُ، مَأَثِرُ و مَنَاقِبُ. این ژانر «گذشته باشکوه» ایرانیان، به‌ویژه دوران ساسانیان را مورد مدح و ستایش قرار می‌داد. از جمله مشهورترین آثار این نوع ژانر ادبی می‌توان از کتب زیر نام برد:

- كِتَابُ فَضَائِلِ الْفَرَسِ از ابوَعَبِيدَه

- كِتَابُ فَضْلِ الْعَجَمِ عَلَى الْعَرَبِ و اِفْتِخَارِهَا از سَعِيدِ بنِ حُمَيْدِ (ف پس از ۲۵۷ق)

- كِتَابُ فَضْلِ الْعَجَمِ عَلَى الْعَرَبِ از إِسْحَاقِ بنِ سَلْمَه (ف؟)

از دیگر آثار ادبی که برای بازسازی شعوبیه مورد استفاده قرار گرفتند، مجموعه اشعار شاعران شعوبی است. در کتاب پیش رو جلوه‌های شعوبی از هر دیوان شعری جستجو و نشان داده شده است.

### آثار مخالفان شعوبی

آگاهی ما درباره شعوبیه بیشتر مبتنی بر اطلاعات موجود از آثار باقی‌مانده مخالفان آن است. باید در نظر گرفت که آثار مخالفان شعوبیه احتمالاً دارای محتوایی بسیار مغرضانه است. کتاب‌های زیر از جمله این ژانر ادبی به شمار می‌آیند:

- كِتَابُ الْعَرَبِ أَوْ الرَّدِّ عَلَى الشُّعُوبِيَّةِ از ابنِ قُتَيْبَه (ف ۲۷۶ق)

- فصل «كِتَابُ الْعَصَا» از الْبَيَانِ وَ التَّبْيِينِ از جَاحِظِ (ف ۲۵۵ق)

- فصل «الشُّعُوبِيَّةُ وَ هَمَّ أَهْلِ التَّسْوِيَةِ» از كِتَابِ الْعَقْدِ الْفَرِيدِ از ابنِ عَبَّادِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ أَنْدَلُسِيِّ (ف ۳۲۸ق)

- فصلی از كِتَابِ الْإِمْتَاعِ وَ الْمُؤَانِسَةِ از ابوحَيَّانِ تَوْحِيدِيِّ (ف ۴۱۴ق)

### کتاب تراجم و معضلات آن

شرح احوال شخصیت‌های معروف صدر اسلام و دوران پس از آن در زمینه علوم، ادبیات، سیاست و غیره در کتب تراجم یافت می‌گردد<sup>۱</sup> که شامل ژانر گسترده‌ای در ادبیات کلاسیک عربی است. از آنجا که همه نمایندگان شعوبیه شخصیت‌های مشهور و با تحصیلات عالی بودند، شرح حال آن‌ها بدون مشکلی در این نوع ادبی یافت می‌شود. در درجه اول آثار تراجم کهن‌تر مورد بررسی قرار گرفته، ولی برای ارزیابی دقیق‌تر این اطلاعات، از کتب تراجم متأخرتر

1. Van Ess, *Theologie*, Bd. I, S. 10.



نیز استفاده شده است. مهمترین کتب تراجم از قرار زیرند:

- کتاب الأغاني از ابوالفرج اصفهانی (ف ۳۶۵ق)

- کتاب الفهرست از ابن ندیم (ف ۴۳۸ق)

- تاریخ بغداد از خطیب بغدادی (ف ۴۶۳ق)

- معجم الأدباء از یاقوت حموی (ف ۶۲۶ق)

- وفيات الأعيان از ابن خلكان (ف ۶۸۱ق)

- الوافي بالوفيات از صفدی (ف ۷۶۴ق)

سپس از کتب تراجم متنوع، در ارتباط با موضوع گزیده‌ای انتخاب گردید که در آن‌ها شرح حال‌هایی موجودند که تنها به سرگذشت افراد معینی می‌پردازند که اغلب به علمی خاص و مشاغلی ویژه و گاه به مکان مشخصی تعلق دارند. برخی از این آثار عبارت‌اند از:

- طبقات الشعراء از ابن معتز (ف ۲۵۵ق)

- طبقات النحویین و اللغویین از زبیدی (ف ۳۷۹ق)

- تاریخ حکماء الإسلام از بیهقی (ف ۴۵۸ق)

- إعتاب الکتاب از ابن آبار (ف ۶۵۸ق)

- عُیون الأبناء في طبقات الأئمة از ابن أبی أصیبغ (ف ۶۶۸ق)

- طبقات المُفسّرين از داودی (ف ۹۴۵ق)

هر شرح حالی درباره فرد مورد نظر اطلاعاتی مانند نام، تاریخ میلاد و مرگ، مکان اقامت، نسب، تحصیلات و شغل، سفرهای انجام‌شده، اعتقادات دینی، آثار نگاشته‌شده و ارتباطات او به دست می‌دهد.<sup>۱</sup> یک شاخصه مهم در شرح حال‌ها گزارشی درباره حوادثی است که شخص مورد نظر در آن سهیم بود.<sup>۲</sup> با اینکه در سده پیش بسیاری از کتب تراجم منتشر شدند، اما پژوهش‌های معاصر کمتر به این نوع ادبی توجه نشان داده است.<sup>۳</sup> با این حال تألیفات علمی وجود دارند که بر پایه این ژانر ادبی بنا شده‌اند. نگاهی بر این آثار نشان می‌دهد که بررسی و تحلیل شرح حال‌ها اطلاعات مهمی به دست می‌دهند. اخیراً اسلام‌شناس مشهور جوزف فن اس در

1. Young, "Arabic biographical writing", in: *Religion, learning and science in the 'Abbasid period*, S. 170 ff.

2. Ebd, S. 180.

3. Melchert, *The formation*, S. 27.

کتاب خود دربارهٔ الهیات اسلامی به این ژانر ادبی استناد نموده است.<sup>۱</sup> همچنین کریستوفر ملشرت علی‌رغم معضلات موجود در کتب تراجم که او آشکارا از آن‌ها یاد کرده است، به این نوع ادبی و استفاده از آن به عنوان منبع اطلاعات نگاهی مثبت دارد. او در کتاب خود با عنوان *"The formation of the sunni school of law: 9th-10th centuries"* تراجم استناد می‌کند و معتقد است که زندگینامه‌نویسان به‌ویژه تصویری جامع از وضعیت معنوی مسلمانان ارائه می‌دهند.<sup>۲</sup> یانگ نیز در مقالهٔ خود با عنوان *"Arabic biographical writing"* نظری مشابه دارد. او به این امر اشاره می‌کند که ثبت اطلاعاتی همچون شغل، محل اقامت، تاریخ میلاد و مرگ، ارتباطات شخصی و غیره می‌تواند در بازسازی خاندان، گروه‌های دیگر و جنبش‌های اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.<sup>۳</sup> هارالد موتسکی نیز از جمله پژوهشگران معاصر است که به کتب تراجم توجه نموده است. او نیز در مجموعهٔ خود با عنوان *"The biography of Muhammad"* به بهره‌گیری از این نوع ادبی نگاهی مثبت دارد.<sup>۴</sup>

اما استفاده از کتب تراجم به عنوان منبعی علمی و قابل اعتماد نیز مورد اختلاف است. به‌طور نمونه، نرمان کالدِر به اصیل بودن اطلاعات موجود در این ژانر ادبی شک می‌کند. به اعتقاد او، به احتمال زیاد بیوگرافی‌نویسان بسیاری از داده‌های موجود در شرح حال‌ها را از خود می‌ساختند، همان‌گونه که مؤمنین احادیثی را برای محکم‌سازی نظریهٔ خود جعل می‌کردند، چنانکه که گلدزیه‌ر و شاخ نشان داده‌اند.<sup>۵</sup> ولی ملشرت به این امر اشاره می‌کند که کالدِر خود گاهی از این ژانر ادبی در کارهای خود بهره برده است.<sup>۶</sup>

به‌طور مختصر می‌توان گفت: مطمئناً کتب تراجم نباید کاملاً از درجهٔ اعتبار ساقط شوند و به همین علت این ژانر ادبی از جملهٔ منابع مناسب برای بازسازی تاریخ صدر اسلام به شمار می‌آید. ولی همیشه باید با این نوع منابع با نظر انتقادی برخورد کرد و نمی‌توان معضلات مربوط به آن را نادیده گرفت (حقیقتی که دربارهٔ تذکره‌های فارسی نیز صادق است).

کالدِر به‌شکل عمومی از این امر شکایت دارد که پژوهشگران در تحقیقات دربارهٔ صدر اسلام

1. Van Ess, *Theologie*, S. 1 ff.

2. Melchert, *The formation*, S. 28.

3. Young, "Arabic biographical writing", in: *Religion, learning and science in the 'Abbasid period*, S. 176.

4. Motzki, *The biography of Muhammad*, S. 11 f.

5. Calder, *Studies*, S. 13.

6. Melchert, *The formation*, S. 28.

با منابع معاصر آن زمان سرو کار ندارند، بلکه با آثاری که بسیار متأخرتر از یک رویداد مورد نظر نگاشته شده‌اند.<sup>۱</sup> از سوی دیگر، مطالعات درباره شعوبیه، کمتر با مشکل مذکور روبه‌رو می‌شوند، زیرا شعوبیه در دوره اول عباسی ظهور کرد و شکوفا شد و در همان برهه زمانی برخی از آثار بیوگرافی نگاشته شده بود. در کتاب پیش رو، هم از کتب تراجم معاصر شعوبیه و هم از آثار متأخرتر استفاده شده است. از این آثار تراجم کهن‌تر و متأخرتر، داده‌های چهره (پروفایل) نمایندگان شعوبیه ترسیم شده و سپس مورد مقایسه و بازشکافی قرار گرفته‌اند. اگر داده‌ها با یکدیگر مطابقت داشتند، می‌توان به احتمال بسیار از قابل اعتماد بودن اطلاعات سخن گفت. اگر چهره (پروفایل) یک فرد تنها در یک کتاب آمده باشد، باید امانت‌داری نویسنده آن اثر ثابت گردد، بدین گونه که آثار دیگر آن نویسنده و همچنین سبک و روش کاری او بررسی شود. به طور مثال، نویسنده‌ای مانند صَفَدی (۷۶۴ق) که در بازدهی اطلاعات بسیار دقیق عمل می‌کند، قابل اعتمادتر از نویسنده‌ای مانند بلاذری (۲۹۷ق) است که اغلب متناقض می‌نویسد.

### کتاب تاریخی

در کنار کتب تراجم، آثار تاریخی عربی به عنوان اساس روشن‌سازی شعوبیه و تحولات آن به کار گرفته شده‌اند.

### نکاتی درباره روش کار

بررسی و ارزیابی منابع دست اول نامبرده در بالا، به‌ویژه کتب تراجم، توصیف دقیق نمایندگان شعوبی را ممکن می‌سازد. از هفت شخصیتی که در کتب تراجم مستقیماً با صفت «شعوبی» نامیده شده‌اند، مهمترین شاخصه‌های شرح حال آنان مانند نام، سال مرگ، تعلق قومی، مکان‌های اقامت، اعتقاد دینی، ولاء، شغل یا تحصیلات و سرانجام ارتباطات آنان در جدولی در پیوست آورده شده است. از طریق این جدول می‌توان آسانتر این داده‌ها را با یکدیگر مقایسه و وجوه مشترک میان آنان را مشخص نمود. از آنجا که تعداد افرادی که در منابع دست اول عربی مستقیماً با صفت «شعوبی» نامیده می‌شوند، کم است، نخست بر پایه آنالیز و مقایسه جدولی، تعریفی اولیه از مفهوم «شعوبی» انجام گرفته است. این تعریف اولیه سپس بر اشخاص دیگری

نیز منطبق گردید، بدین صورت که بر اساس چهره (پروفایل) مشابه، افراد دیگری یافت گردیدند که می‌توانند به شعوبه منسوب شوند، با آنکه این افراد در منابع عربی صراحتاً با صفت «شعوبی» نامیده نشده‌اند. بر پایه بررسی و بازشکافی شرح حال ۳۹ نماینده شعوبی، در پایان به عنوان نتیجه این کار تعریفی دقیق‌تر و جامع‌تر از مفهوم «شعوبی» ارائه و به شکل نمودار ترسیم گردیده است.

همچنین از طریق روش تحلیل شبکه‌ای، ارتباطات میان نمایندگان شعوبه بررسی گردید و به صورت نمودار نشان داده شد. تحلیل شبکه‌ای ابزاری برای توصیف و تشریح ساختارهای اجتماعی در علم جامعه‌شناسی است. تمرکز تحلیل شبکه‌ای که اغلب به شکل نموداری (گرافیکی) نشان داده می‌شود، نه بر فردیت یک شخص، بلکه بر ویژگی‌های ارتباطی او قرار دارد. فرد منزوی نیست، بلکه بر اساس ارتباطات خود با دیگران و تبعیه خود در یک ساختار تعریف می‌گردد.<sup>۲</sup> از شبکه‌های ارتباطات افراد، می‌توان ساختارهای انتزاعی اجتماعی، نقش‌ها و موقعیت‌ها در سطح گروه‌ها، سازمان‌ها یا جوامع را استنباط نمود.<sup>۳</sup>

با توجه به افزایش پژوهش‌ها در زمینه اسلام‌شناسی و همچنین حجم منابع و مراجع در دسترس، می‌توان از تحلیل شبکه‌ای در مطالعات این حوزه استفاده نمود. رومن لوی مایر و اشتفان رایشموت برای نخستین بار، در سال ۱۹۹۶ رویکرد تحلیل شبکه‌ای را به عنوان یک روش جامعه‌شناسی برای بررسی فرآیندهای اجتماعی در متن اسلامی به اثبات رساندند.<sup>۴</sup> بدین گونه این دو نویسنده اسلام‌شناسی را با رشته‌های دیگری مانند جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی گره زدند. همچنین لوی مایر در مجموعه مقالاتی با عنوان "*Die islamische Welt als Netzwerk*" که در سال ۲۰۰۰ منتشر شد، ثابت نمود که روش تحلیل شبکه‌ای می‌تواند در مباحث اسلام‌شناسی همان گونه کارآمد باشد که در حوزه‌های دیگر مثل جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، مردم‌شناسی و جغرافیا.<sup>۵</sup> این مجموعه مقالات همچنین پُرباری دیدگاه تحلیل شبکه‌ای را تأیید می‌کند که می‌تواند پدیده‌ها و مباحث مختلفی را شامل شود. علاوه بر این، باز بودن روش

1. Jansen, *Einführung*, S. 14. Vgl. Raschke, *Soziale Bewegungen*, S. 199 f.

2. Hollstein, "Qualitative Methoden und Netzwerkanalyse", in: *Qualitative Netzwerkanalyse*, hier S. 13 f.

3. Jansen, *Einführung*, S. 52.

4. Loimeier und Reichmuth, "Zur Dynamik religiös-politischer Netzwerke in muslimischen Gesellschaften", in: *Die Welt des Islams*, Bd. XXXVI, S. 145-185.

برای استعمال تحلیل شبکه‌ای و رسم گرافیکی آن در چهارچوب پژوهش‌های اسلام‌شناسی مراجعه کنید همچنین به:

Nawas, "The Contribution", in: *Ideas, images and methods of portrayal*, S. 141-152.

5. Loimeier, "Vorwort", in: *Die islamische Welt als Netzwerk*, S. 11.

تحلیل شبکه‌ای همچنین این امکان را به دست می‌دهد که از نظر زمانی انعطاف‌پذیر باشد و در عین حال بتوان هم بر روی مباحث تاریخی و هم معاصر کار کرد.<sup>۱</sup>

کتاب تراجم برای انجام تحلیل شبکه‌ای سودمندند: این آثار نه تنها شامل داده‌هایی درباره یک فرد هستند، بلکه اکثراً اطلاعاتی در مورد ارتباطات رسمی و غیر رسمی به دست می‌دهند. بر این اساس، در کتاب حاضر هر ارتباطی میان نمایندگان شعوبیه و همچنین نوع و شدت این ارتباطات بازشکافی شده و به شکل گرافیکی به نمایش درآمده است. همچنین آنالیز شبکه‌ای و بررسی منابع به این پرسش پاسخ می‌دهد که شعوبیه تا چه حد می‌تواند به عنوان یک جنبش اجتماعی در نظر گرفته شود.

## محتوا

کتاب پیش رو شامل شش فصل است. در مقدمه آن به مختصری از تاریخ شعوبیه پرداخته شده است. سپس به پرسش‌های کارشده در این کتاب، پژوهش‌های انجام‌شده درباره شعوبیه، ژانرهای ادبی استفاده‌شده و سرانجام ملاحظات درباره روش کار و محتوای آن پرداخته شده است.

در فصل نخست، پیشینه تاریخی پیدایش شعوبیه به طور مفصل مورد بررسی قرار گرفته است. این فصل به ویژه شامل موضوع‌هایی مانند نظام قبیله‌ای اعراب و بر پایه آن تسلط و حاکمیت به وجودآمده عربی (عَصَبِيَّة)، موقعیت اجتماعی نومسلمانان (موالی) تحت فرمانروایی امویان عرب‌گرا و همچنین انقلاب عباسیان می‌شود. علاوه بر این، این فصل به تأثیر سیاسی و فرهنگی نومسلمانان در دوره اول عباسی، بخصوص ایرانیان و به طور مثال خاندان برمکی و سهل می‌پردازد. در پایان به جنبش ترجمه و تأثیر آن بر شعوبیه پرداخته شده است.

فصل دوم بر شعوبیه در سطح زبانی در داخل ایران تمرکز دارد. برای روشن ساختن این موضوع به ظهور سلسله‌های بومی و خودمختاری سیاسی آنان در ایران و همچنین به حمایت آن‌ها از فرهنگ ایرانی و زبان فارسی دری به عنوان زبان علمی - ادبی پرداخته شده است. علاوه بر این، خاطره «گذشته باشکوه» ایرانیان در راستای پیدایش اعتماد به نفس و هویت جمعی توده مردم و اعتلای زبان فارسی مورد بررسی قرار گرفته است.

1. Harders, "Dimensionen", in: *Die islamische Welt als Netzwerk*, S. 18.

فصل سوم این کتاب مربوط به ریشه مفهوم «شعوبیه» و حمایت شعوبیه یا اهل التَّسْوِیَه از آموزه‌های قرآنی مساوات میان همه مؤمنین است.

در فصل چهارم هفت شخصیتی معرفی می‌گردند که در منابع دست اول عربی مستقیماً با صفت «شعوبی» نامیده می‌شوند. بر اساس این معرفی، هشت طبقه‌بندی یافت گردید که کوشش رسیدن به مفهوم «شعوبی» یا تعریف اولیه این مفهوم را ممکن می‌سازد.

فصل پنجم بر پایه نزدیکی به مفهوم شعوبیه که همزمان همان تعریف اولیه این مفهوم است، شخصیت‌های دیگری معرفی می‌شوند که می‌توانند به شعوبیه منسوب گردند، اگرچه آن‌ها در منابع عربی مستقیماً با صفت «شعوبی» نامیده نشده‌اند.

در فصل ششم نخست به تعریف گسترده‌تر و جامع‌تر مفهوم «شعوبی» پرداخته می‌شود. در ادامه ارتباطات میان نمایندگان شعوبیه مورد بررسی قرار می‌گیرد و در راستای این امر که «شعوبیه یک جنبش اجتماعی بود» یک شبکه ترسیم گردیده است.

در پایان این کتاب نتایج این پژوهش ارائه می‌شود و کتاب با یک پیوست، نمایه کوتاه‌نویسی، کتابنامه و فهرست اعلام به پایان می‌رسد.

کتاب پیش رو رساله دکتری اینجانب با عنوان «شعوبیه: پیدایش و اهمیت آن در سده‌های نخستین اسلامی»<sup>۱</sup> است که در ژانویه سال ۲۰۱۶ در دانشگاه هامبورگ آلمان دفاع گردید و در ماه می همان سال به صورت آنلاین منتشر شد. استادان راهنمای من آقایان بنیامین یوکیش<sup>۲</sup> و فرانسوا دبلوا<sup>۳</sup> بودند که هر دو در جامعه علمی ایران در زمینه اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی معروف‌اند. ترجمه این کتاب به متن اصلی وفادار مانده است، اما برخی اسناد و نقل قول‌های منابع دست اول به زبان‌های عربی و فارسی به آن افزوده شده است. این رساله اولین پژوهش عمیق درباره جنبش شعوبیه به یک زبان اروپایی است و از سوی دانشگاه هامبورگ<sup>۴</sup> و مؤسسه رُزا لوکزامبورگ<sup>۵</sup> حمایت مالی شده است. اینجانب بسیار مسرورم که نتایج چندین ساله خود را به زبان فارسی ترجمه کرده و در دسترس فارسی‌زبانان قرار می‌دهم. تشکر ویژه خود را در درجه اول به استاد محترم آقای دکتر جلال خالقی مطلق معطوف می‌کنم که نه تنها در این کار مشوق

1. *„Entstehung und Bedeutung der Šu‘ūbiyya in frühislamischer Zeit“*

2. *habl. Dr. Benjamin Jokisch.*

4. *Universität Hamburg.*

3. *Prof. Dr. Francois de Bloise.*

5. *Rosa Luxemburg Stiftung.*

و حامی من بودند، بلکه اینجانب این افتخار را داشتم تا از دانش گسترده ایشان به عنوان استادم در تمام دوران تحصیل خود، چه در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد و چه در دوره دکتری بهره‌مند شوم. همچنین از استادان راهنمای خود کمال تشکر را دارم که با صبر و حوصله مرا در تمام چندین سال تحقیقات خود راهنمایی نمودند. در پایان وظیفه خود می‌دانم که از خواهرم طاهره خسروی که در طول ترجمه این رساله حامی روحی من بود، از خانم‌ها تماره رشدان و حنان حموده برای پشتیبانی‌شان در زمینه متن‌های عربی و برادرم مرتضی خسروی برای یاری‌رسانی‌اش در کارهای گرافیکی و کامپیوتری قدردانی کنم.